

ایران در روزهای پس از کودتای ۱۲۹۹

انجام شده است. در تمام زمینه‌های سیاسی، سید ضیاءالدین از خود ابتکار عمل نشان می‌دهد. وی می‌گوید که بعد از پانزده سال مطالعه و سکوت، اکنون برنامه‌اش برای سازماندهی ایران آماده اجراست و به اقداماتی دست خواهد زد که وضع سیاسی کشورش را کاملاً عوض خواهد کرد.

درآمدهای مالی ایران

مسئله مالی برای تمام دولت‌های ایران نگران‌کننده است، به ویژه برای دولت جدید که در نظر دارد بدون کمک مالی خارجی آن را سامان دهد. این دولت در صدد است تا درآمدهای سالیانه نفت جنوب را توقیف کند. یکی دیگر از برنامه‌های آن برای حل مشکلات اقتصادی ایران، برقراری مالیات‌های سنگین بر اموال شخصیت‌های سیاسی بازداشت شده و تصرف اموال آنهاست. این اموال که به اموال خالصه افزوده می‌شود و بین کشاورزان تقسیم خواهد شد.

هزینه انجام چنین اقدامی، پرداخت غرامت زیادی، بالغ بر ده میلیون تومان، برآورد می‌شود. تنها به خانواده فرمانفرما، بالغ بر چهار میلیون تومان مالیات بسته‌اند، و شاهزاده فرمانفرما، در اثر تهدید به مرگ فوری، قول داده این مبلغ را بپردازد. از طلب کاران دولت خواسته‌اند تا از مطالبه طلب‌شان صرف نظر کنند. اسب‌ها، اتومبیل‌ها و اثاثیه محکومین را توقیف کرده‌اند و حتی اسناد مالکیت و سلاح‌های آنها را گرفته‌اند.

چنین اقداماتی برای جلوگیری از تقلبات مالیاتی مالکین بزرگ که تاکنون از پرداخت مالیات سرپیچی می‌کرده‌اند و از این پس باید مالیات را به دولت بپردازند، انجام می‌شود. اتحادیه‌ها، به نوبه خود از اقدامات دولت مستثنی نیستند و طبق توان مالی خود، باید مالیات بدهند. با این گونه اقدامات، دیگر والیان نمی‌توانند، سرمایه‌های استان‌ها را چپاول کنند و مجبورند سهم مالیات

هشتاد سال پیش، در روز سوم اسفند کودتایی در ایران روی داد که عامل و سردمدار آن سید ضیاءالدین طباطبائی بود. این کودتا که رهبری سیاسی آن با سید ضیاء و رهبری نظامی آن با رضاخان میرپنج (رضاشاه بعدی) بود، در نهایت به انقراض سلسله قاجاریه و تشکیل سلسله پهلوی منجر شد.

در این هشتادساله اسناد و مقالات فراوانی درباره پیش‌زمینه‌ها، عوامل و نتایج این کودتا منتشر شده که هر کدام بخشی از حقایق را روشن کرده است. در این میان، انتشار خاطرات ژنرال «آیرون ساید»، مقارن با وقوع انقلاب اسلامی، رسماً ثابت کرد انگلیسی‌ها سازمانده آن کودتا بوده‌اند. به فاصله چند ماه از وقوع کودتا، سید ضیاء که فرماندهی کودتا را بر عهده داشت از صحنه حذف شد و جای وی را رضاخان میرپنج یا همان سردار سپه گرفت. این سردار سپه چند سال بعد تاج کیانی را از خاندان قاجاریه به خاندان خود منتقل کرد. اما چرا و چگونه؟

در این زمینه ابهامات زیادی وجود دارد که شاید نتوان به این زودی‌ها همه آنها را روشن کرد. اما برخی اسناد هست که هنوز منتشر نشده و انتشار آنها می‌تواند نشان دهد عوامل اصلی به قدرت رسیدن رضاشاه چه بوده است. از جمله سندی که در زیر می‌آید، تصویری از اوضاع عمومی ایران در روزهای پس از کودتا را نشان می‌دهد. از همین سندی می‌توان فهمید که یکی از دلایل سقوط سریع دولت سید ضیاء و قدرت گرفتن رضاخان، اقدامات و برخوردهای شدید این دولت با صاحبان قدرت و مکتب بوده است.

این سند، گزارش «سرهنک ژرژ آفرود دوکرو» وابسته نظامی فرانسه به وزارت جنگ فرانسه است که ماهنامه «گزارش» برای اولین بار آن را منتشر می‌کند. «دوکرو» گرچه یک نظامی بوده، اما سوابق برجسته‌ای در ادبیات، روزنامه‌نگاری و امور جغرافیایی داشته است. احاطه او به امور کشورهای شرق و به ویژه ایران چندان بود که به دریافت نشان لژیون دونور از فرانسه و شیروخورشید از ایران نائل آمده است. از ۱۰۱ گزارش که «دوکرو» برای وزارت خارجه فرانسه تهیه کرده، اکثر آنها مربوط به ایران و مسائل آن است.

گزارش زیر که با کد (۱۷۸۳۲۶۱/IRAN) در بایگانی وزارت خارجه فرانسه نگهداری می‌شود، در ۱۴ مارس ۱۹۲۱ (۲۴ اسفند ۱۲۹۹) تهیه و فرستاده شده است.

تهیه و تنظیم: عطاآیتی

وزارتخانه‌ها اقدام کرده است و از جمله، کارهای اداری بی‌ثمر و دست‌پاگیر را حذف می‌کند و مخارج وزارتخانه‌ها را کاهش می‌دهد تا گردش کار در دستگاه‌های اصلی آنها آسانتر شود. دو هزار نفر از کارمندان وزارت مالیه برکنار شده‌اند. یک هیأت نظارت در وزارت عدلیه برای رسیدگی و تجدیدنظر در اصول محاکمات تشکیل شده است. قرار است وزارت جنگ که از اساس واژگون شده بود، مجدداً بر مبنای اصول جدید دایر شود. اقداماتی در بازرسی صاحبان رتبه‌های نظامی و مستمری آنها

اوضاع سیاسی و نظامی ایران

دولت جدید، زائیده کودتای ۲۱ فوریه اسوم اسفند) می‌باشد. رهبری کودتا در برنامه‌ای که برای اصلاحات منتشر کرده بود، اعلام کرده که می‌کوشد تا به بی‌نظمی و ناپسامانی و اسراف مالی دولت پایان بخشد و اکنون مجبور است به وعده خود جامه عمل بپوشاند. در حال حاضر به حذف کردن بخش مهمی از سازمان‌های داخلی

استان‌ها دیگر زیر پوشش ژاندارم‌های محلی والیان نخواهد بود. در نتیجه می‌توان ژاندارمری را به عنوان یک واحد نظامی قلمداد کرد.

در مورد حقوق نیروی ژاندارمری باید گفت که از شش ماه پیش افراد آن حقوق ناچیزی دریافت کرده‌اند و اخیراً مبلغی بالغ بر بیست و پنج هزار تومان بین آنها توزیع شده است، واحدهای ژاندارمری در تهران، تمرین‌های نظامی را در پادگان‌هایشان آغاز کرده‌اند تا کمبود کادر درجه‌داری را جبران کنند.

اداره پلیس جنوب که تاکنون دولت انگلستان تأمین مخارج آن را برعهده داشت، از این پس به دولت ایران محول می‌شود. این نیرودارای شش هزار سرباز است که به وسیله صد و پنجاه افسر و درجه‌دار انگلیسی فرماندهی می‌شوند. بودجه ماهانه این نیرو بالغ بر هشتصد و پنجاه هزار تومان برآورد می‌شود که احتمالاً به دو بیست هزار تومان کاهش خواهد یافت. پرسشی که مطرح می‌شود این است که با این بودجه کم، چگونه مستشاران انگلیسی پرخرج و مصرف‌می‌توانند در سمت‌هایشان باقی بمانند؟ حال اگر تعدادی از آنها به کار خود ادامه دهند، که احتمالاً همین طور هم خواهد شد، دولت انگلستان مستمراً آنها را خواهد پرداخت.

دو واحد از پلیس جنوب که هر کدام از آنها هزار سرباز دارند، از شیراز و کرمان به اصفهان منتقل خواهد شد، زیرا در این منطقه، عشایر بختیاری علم طغیان علیه رژیم جدید برافراشته‌اند. یکی از این واحدها هم به تهران خواهد آمد. اخیراً کلنل «فراز» (Fraser) فرمانده پلیس جنوب، چند روزی را در پایتخت ایران بسر برده است.

برنامه‌ای که به نظر می‌رسد باید برای سازماندهی ارتش ایران پیاده شود، همان طرح کمیسیون ایران و انگلیس است که سال پیش زیر نظر ژنرال دیکسون (Dickson) برنامه‌ریزی شده بود. چنین طرحی اقدامات فوری زیر را برای بازسازی ارتش ایران پیش بینی می‌کند: سازماندهی وزارت جنگ، بنیادیک مدرسه نظام و ادغام قزاق‌ها، پلیس جنوب و نیروی

به فرماندهی کلنل انگلیسی «اسمیت»، هنوز در شهر قزوین مستقرند، اما نیروی رزمی آنها بسیار محدود است.

از زمان وقوع کودتا تاکنون، سربازان قزاق چهار هزار تومان حقوق و انعام دریافت کرده‌اند. افزون بر آن، از هنگامی که کلنل «اسمیت» مسئولیت مالی لشکر قزاق را برعهده گرفته است، حقوق آنها به طور منظم پرداخت می‌شود، کمبود تدارکاتی ندارند و چکمه انگلیسی به پا می‌کنند.



شرایط مادی قزاق‌ها هرگز به خوبی زمان حاضر نبوده است. از همه مهم‌ترین که نظام و انضباط آنها عالی شده است.

عده نفرات نیروی ژاندارمری که در حال حاضر هفت هزار نفر است، در آینده نزدیک به دوازده هزار سرباز خواهد رسید. در نظر است به جای اینکه این نیرو در صحراها و مناطق دور و پراکنده انجام وظیفه کند، آن را در محل‌های خاصی مجتمع کنند و افراد آن را در مراکز آموزشی تمرین نظامی دهند. در این راستا، شهرهای قم، قزوین و تهران برای تجمع واحدهای ژاندارمری در نظر گرفته شده است. حفاظت و امنیت جاده‌های

خود را به اداره مالی مرکزی تأدیه کنند. سرانجام دولت در نظر دارد تمام منابع طبیعی ایران را مورد بهره‌برداری قرار دهد.

با وجود این، دولت جدید برای حل مشکلات مالی خود الزاماً به وام گرفتن از کشورهای قدرتمند تن می‌دهد که احتمالاً این کشور، انگلستان است.

مشاورین مالی ایران، انگلیسی خواهند بود، از جمله «ارمتیاژ اسمیت» (Ermitage Smith) که توانسته است یک میلیون تومان طلب دولت ایران را از شرکت نفت انگلستان در جنوب وصول کند و به همین سبب، دولت ایران خدمات اسمیت را تحسین می‌کند و با ارزش می‌داند. اسمیت، اکنون در جاده به سوی تهران در حرکت است و با خود ده مشاور مالی مأمور سازماندهی وزارت مالی ایران را نیز همراه دارد.

اقدامات نظامی

سازماندهی فوری ارتش ایران یکی دیگر از نگرانی‌های اصلی دولت فعلی است. این دولت خواهان متشکل ساختن فوری یک نیروی قوی ۲۰ الی ۲۵ هزار نفری است تا توان برقراری نظم در داخل کشور و مقاومت در برابر متجاوز خارجی را داشته باشد.

قزاق‌ها محور اصلی نیروی ارتش ایران هستند و در آینده نزدیک بر عده آنها افزوده خواهد شد. هم‌اکنون، دو هزار سرباز بریگاد مرکزی به قزاق‌ها پیوسته‌اند که در نتیجه تعداد کل آنها به دوازده هزار نفر خواهد رسید. در این راستا، عشایر شاهسون نیز خواهان پیوستن به صف آنها شده‌اند.

رضاخان که در شب ۲۱ فوریه با کمک قزاق‌ها تهران را تسخیر کرد، اکنون فرماندهی آنها را برعهده دارد و همچنین فرمانده کل قشون ایران است. عده قزاق‌هایی که در کودتا شرکت کردند دو هزار و صد سرباز با صد افسر، مجهز به یک آتشبار با چهار توپ از نوع آشنایدر صحرائی و یک آتشبار با چهار توپ کوهستانی و هیجده مسلسل رگبار تخمین زده شده بود. تعداد دو هزار و پانصد قزاق با چندین آتشبار توپخانه و مسلسل

ژاندارمری در وزارت جنگ.

دولت ایران، به انگلستان سفارش خرید بیست هزار تفنگ، ده مسلسل، بیست آتشبار صحرایی، سه هواپیما، چند توپ سنگین و تعدادی اتومبیل زرهی داده است. درخواست ایران به لندن فرستاده شده تا مقامات انگلیسی درباره آن تصمیم بگیرند، اما به نظر می رسد که سفارش خرید تسلیحات نظامی ایران از طرف وزارت امور خارجه انگلستان رد شده است. دو کشور، برای معامله ادوات نظامی انگلیسی ها در قزوین، وارد مشورت شده اند.

درخواست استخدام تعدادی مستشار نظامی سوئدی برای تعلیم نیروی ژاندارمری ایران، از طرف دولت جدید، مستقیماً به استکلم فرستاده شده است. و به زودی پنجاه افسر برجسته سوئدی برای آموزش نیروی ژاندارمری به ایران خواهند آمد. در حقیقت آنها به عنوان معلمین نظامی محسوب خواهند شد، زیرا که نیروی مذکور در ارتش ادغام شده، هر چند که ژاندارمری وابسته به وزارت کشور است.

طرح «دیکسون» برای سازماندهی واحدهای پیاده نظام قشون ایران وارد مرحله اجرایی شود، شگفتی اینجاست که تمام نظریات ژنرال «دیکسون» موقعی به اجرا گذاشته می شود که وی از سمت خود برکنار شده است.

یک مدرسه درجه داری با معلمین نظامی ایرانی شروع بکار کرده است. مدرسه نظام بازسازی خواهد شد و بدون تردید، کادر آموزشی آن، استخدام مستشار انگلیسی را خواهد پذیرفت. به نظر می آید، تعداد زیادی افسر انگلیسی در ارتش جدید ایران مشغول به کار خواهند شد. این ارتش با کمبود فرمانده مواجه است و منافع انگلیسی ها ایجاب می کند که هرچه سریع تر بیست و پنج هزار نظامی این کشور را سازماندهی کنند و آنها را به حالت مطلوب در آورند.

در حقیقت شاهد اجرای یک توافقنامه نظامی بین دو کشور هستیم، بدون اینکه مجلس ایران آن را در دستور کار خود قرار داده و یا اینکه به تصویب رسانده باشد!

آیا سازماندهی قشون ایران با کمک های آشکار نمایندگی بریتانیا و همکاری ثابت افسران وابسته به این نمایندگی، همانند «کلنل هودلستون» (Huddelston)، «ماژور ویکم» (Wickham)، «کلنل هیگ» (Haig)، «ماژور ادmondس» (Edmonds) و

«کلنل فورتسکو» (Fortescue) پایدار می ماند؟ (۲) آنچه مسلم است این که لشکر قزاق با نیروی ژاندارمری، هرگز تشکیل یک گارد جاویدان (۱) و یاپلیس داخلی را نخواهند داد. بریگاد مرکزی هسته آینده ارتش ایران خواهد بود که به شیوه گذشته سرباز استخدام می کند. در گذشته، هر سرباز سه سال برای دولت انجام وظیفه می کرد و ضمناً وابسته به آن بود. هسته ارتش ملی که به صورت مختلط سازماندهی شده بود، اخیراً از هم پاشیده و در لشکر قزاق ادغام شده است، اما چنین ادغامی غیرممکن و یا مبرخس نیست. «کلنل هودلستون»، وابسته نظامی انگلستان که در ماه مه گذشته دستور

سیاست سخت گیرانه

سید ضیاء در زمینه

مصادره اموال متنفذین

و شاهزادگان، زمینه

سقوط سریع دولت

او را ایجاد کرد

نابودی بریگاد مرکزی را داد، می خواست کینه اش را نسبت به ایران نشان دهد. با وجود این، کابینه مشیرالدوله از اقدامات وی سپاسگزاری کرد! واقعاً اگر دولت جدید خواهان سازماندهی ارتش ایران باشد، واقعیت ها نشان می دهد که حق این بود که بریگاد مرکزی را حفظ کند.

برخورد دولت جدید با کشورهای

قدرتمند خارجی

دولت جدید به کشورهای خارجی وعده دورنمای یک همکاری بین المللی را می دهد. در این باره به فرانسه پیشنهاد استخدام مشاورین قضائی می کند و سپس اصلاحات آموزش و پرورش ایران را به فرانسه می سپارد. به بلژیک علاوه بر اداره گمرک و پست که قبلاً نیز برعهده این کشور بود، سازماندهی ادارات عمومی ایران را نیز واگذار می کند. به آمریکا وعده بازسازی اداره کشاورزی را با کمک آن دولت می دهد. برخورد لیبرال گونه دولت جدید بیشتر جنبه ظاهری دارد

تا عملی. نفوذ بالقوه انگلستان با در دست داشتن اداره مالیه و ارتش ایران، همواره پابرجاست و این کشور را همچنان تحت سلطه خود دارد.

سربازان قزاق از محل استقرار هیأت های نمایندگی خارجی در ایران حفاظت می کنند تا در ضمن از ورود ایرانیان برای تحصن جلوگیری کنند. ممانعت ایرانیان از رفت و آمد به نمایندگی های خارجی بدون هیچ توجیبهی، در دوره ای که دولت جدید دستور توقیف شخصیت های سیاسی را صادر کرده است، به عنوان سلب آزادی عمل دیپلمات های خارجی در این کشور محسوب می شود. هر چند هیأت های سیاسی خارجی اعتراضات خود را نسبت به این عمل ابراز داشته اند، لیکن هر نمایندگی به طور جداگانه عمل کرده است. ضمناً از کودتای ۲۱ فوریه اسوم اسفند تاکنون، هیأت سیاسی خارجیان تشکیل جلسه نداده است.

بلشویکها در ایران

حکومت نظامی و تسلط قدرت نظامی بر دولت جدید، از تبلیغات بلشویکها در ایران جلوگیری می کند. در این رابطه، تعداد کثیری از آشوبگران دارنده این تفکر (کمونیستی) دستگیر شده اند. سفیر بلشویکها به شهر کراسنودسک (Krasnovodusk) رسیده و تا یک ماه دیگر در تهران خواهد بود. وی عده ای را همراه خود دارد، اما از هم اکنون اقداماتی برای جلوگیری از تبلیغات وی صورت گرفته است. از جمله، قزاق های نگهبان سفارتخانه های خارجی، رفت و آمد وی را زیر نظر خواهند داشت.

تأثیر کودتا در استان های ایران

دولت جدید اعلامیه های تمجید آمیزی منتشر کرده مبنی بر اینکه از تمام والیانی که مایل به حفظ سمت خود هستند، استقبال می کند. آشوبی در بین عشایر بختیاری برپا شده است و لذا یکی از واحدهای پلیس جنوب به آن منطقه اعزام می شود. رؤسای مازندران جنبشی علیه دولت به راه انداخته اند، اما به محض اینکه نیروی ارتش سازماندهی شد، حراست کیلان و منطقه استرآباد را به قزاق ها خواهند سپرد و نیروی ژاندارمری از مازندران حفاظت خواهد کرد. در آذربایجان رؤسای دمکرات

می خواهند از اوضاع مشوش کنونی استفاده کنند و در برابر دولت خودی نشان دهند. مخبر السلطنه، ابراز خرسندی خود را به دولت جدید تلگراف کرده است. احتمال دارد وی به دولت پیشنهاد حل و فصل مشکلات باترکها را کرده باشد. آنچه مسلم است این که، دولت جدید تاکنون هیچ حامی جدی در استانها ندارد و والیان کاملاً از دولت مستقلند و منتظرند تا روزی علیه دولت وارد عمل شوند.

احیای نفوذ آلمانها در ایران

آلمان، هرگز چشم امید از شرق برنداشته است و اکنون سعی می کند از حوادث اخیر که در ایران به وقوع پیوسته، در راستای منافع خود استفاده کند (۳).

تبلیغات آلمانها هنوز در ایران ادامه دارد و مأمورین آن با برلن، شهری که جوانان ایرانی داوطلبانه برای ادامه تحصیل به آن جامی روند، ارتباط دارند. شهر لوزان [سوئیس] به عنوان یکی از کانون های تبلیغات ژرمنها درآمده است و محل اقامت ترجیحی ایرانیان است و برعکس برای

ایرانیان، فرانسه جای مهمی محسوب نمی شود. آلمانها در ایران از این موضوع مطلع شده اند و می کوشند تا مسیر مهاجرت ایرانیان را که قبلاً به سوی فرانسه بود، به طرف خود تغییر دهند. با وجود اینکه اغلب ایرانیان مهاجر به زبان فرانسه صحبت می کنند، اما به سوئیس می روند و در آنجا در دام تبلیغات آلمانها می افتند. در این راستا، باید رفتار و فعالیت های سفیر ایران در سوئیس و برلن را کاملاً زیر نظر گرفت.

شایع است، مشاور الممالک که به مسکو اعزام شد، از آنجا احتمالاً به برلن سفر می کند.

در تهران حتی نماینده آلمان از خواب غفلت بیدار شده است و توانسته در روزنامه ایران، تنها نشریه ای که مورد سانسور قرار نمی گیرد، اعلامیه ای حاوی سخنان شانسولیه فریرنباخ (Fehrenbag) و انتقاداتی علیه تصمیمات لندن در مورد ایران، به چاپ برساند. بعد از دو سال، این اولین بار است که نمایندگی آلمان در تهران سعی می کند تا نفوذ و اثرات رادیو و نشریات ما را در ایران خنثی کند.

حضور پنجاه افسر سوئدی در ایران، کادر

تبلیغاتی آلمان را در این کشور مستحکم تر می کند. در این راستا کافی است نقش سوئدیها در ۱۹۱۵ و پیوستن گروهی از ژاندارم ایرانی به قوای عثمانی را به یاد بیاوریم (۴).

۱- اشاره نویسنده گزارش، به گارد جاویدان دوران هخامنشی است.

۲- در سند دیگری که از همین افسر فرانسوی در دست است و امیدواریم آن را در آینده منتشر کنیم، مشاهده می شود که برخلاف انتظار، به حضور فرماندهان و مستشاران انگلیسی در نیروهای مسلح ایران خیلی زود پایان داده می شود.

۳- خوانندگان گرامی توجه دارند که ستون پنجم دولت آلمان در جریان جنگ اول جهانی (اندکی قبل از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹) در ایران، و مخصوصاً در مناطق جنوبی بسیار فعال بود. یک مأمور آلمانی به نام «واسموس» حتی توانست مردم تنگستان را علیه انگلیسیها بشوراند که نتیجه آن حماسه دلبران تنگستان بود که سریالی نیز از این حوادث ساخته و از تلویزیون پخش شده است.

۴- این واقعه در جریان جنگ اول که ترکیه عثمانی، متحد آلمان بود، به وقوع پیوست.

S
A
L
E



ساعی

کلکسیون پوشاک آقایان

S
A
L
E

ونک، ملاصدرا، شیراز جنوبی

شماره ۳۳

تلفن: ۳-۸۰۴۱۱۱۶